

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احمدی حیات

از دیدگاه اسلام

(مقدمه‌ای بر حقوق تجارت)

قابل استفاده دانشجویان رشته‌های مدیریت بازرگانی، اقتصاد و بازرگانان

مؤلفان:

آیت‌ا... سید محمد کاظم مصطفوی، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر اسماعیل داراب کلایی

محمدتقی کاشانی‌نیا

(اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)



نشرطالایی

احکام تجارت از دیدگاه اسلام



مدیر طرح: محمدتقی کاشانی‌نیا
نویسندگان: آیت‌الله سید محمد کاظم مصطفوی، حجت‌الاسلام و
المسلمین دکتر اسماعیل داراب کلایی، محمدتقی کاشانی‌نیا
صفحه‌آرا: مرضیه افشاری‌پور
گرافیک جلد: علیرضا پوراکبری



لیتوگرافی، چاپ، صحافی: واژه‌پرداز اندیشه
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۳
شمارگان: ۵ - ۵۱ - ۶۲۲۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸
قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ ریال
تلفن: ۶۶۴۱۵۲۳۳، ۶۶۴۸۳۰۶۶ - ۰۲۱
تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۰۱۶۴۱۹

www.talae.ir
nashre.talae@gmail.com
info@talae.ir

همه حقوق چاپ و نشر کتاب «احکام تجارت از دیدگاه اسلام» برای مؤسسه فرهنگی
نهج‌القرآن محفوظ است. هرگونه بهره‌برداری از این اثر به اجازه کتبی ناشر نیاز دارد.

سرشناسه	مصطفوی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور	احکام تجارت از دیدگاه اسلام : قابل استفاده دانشجویان رشته‌های مدیریت بازرگانی، اقتصاد و بازرگانان / مولفان سیدمحمدکاظم مصطفوی، اسماعیل داراب کلایی، محمدتقی کاشانی‌نیا.
مشخصات نشر	تهران : نشر طلایی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۲۵۶ ص.: جدول .
شابک	۱۲۰۰۰۰ ریال: ۵۱-۵۶۲۲۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	بازرگانی (فقه)
موضوع	معاملات (فقه)
شناسه افزوده	داراب کلایی، اسماعیل، ۱۳۳۰ -
شناسه افزوده	کاشانی‌نیا، محمدتقی، ۱۳۱۶ -
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ الف/م/۱۹۰ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۳۷۲:
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۲۹۴۷۴ :

فهرست

پیشگفتار ۸

کلیات و تعاریف فقه، مسائل فقهی و

احکام فقهی ۱۱

فصل اوّل:

بیع (خرید و فروش) ۱۳

تعریف بیع و شراء ۱۴

عناصر یا اجزاء بیع ۱۴

ارکان و پایه‌های بیع ۱۵

شرائط بیع ۱۶

معامله فاسد ۲۶

اقسام بیع ۲۶

احکام اجازه صاحب مال ۲۸

اقسام ربا ۳۶

احکام خرید و فروش ۳۷

خلاصه فصل اول ۴۳

فصل دوّم:

خیارات ۴۵

اقسام خیارات ۴۶

آرش ۵۵

احکام خیارات ۵۷

اقاله یا فسخ معامله ۵۹

خلاصه فصل دوم ۶۱

فصل سوّم:

شُفعه ۶۳

تعریف شُفعه ۶۴

شرائط و ویژگیها ۶۴

موارد اسقاط یا از بین رفتن حق

شُفعه ۶۵

احکام شُفعه (شراکت) ۶۶

خلاصه فصل سوم ۶۸

فصل چهارم:

اجاره ۶۹

تعریف اجاره ۷۰

اقسام اجاره ۷۰

شرائط اجاره ۷۱

خلاصه فصل چهارم ۸۴

فصل پنجم:

مضاربه ۸۵

تعریف مضاربه ۸۶

شرائط مضاربه ۸۷

فسخ مضاربه ۹۰

احکام مضاربه ۹۱

خلاصه فصل پنجم ۹۴

فصل ششم:

جُعّاله ۹۷

تعریف جُعّاله ۹۸

فرق جُعّاله با اجاره ۹۸

ارکان جُعّاله ۹۹

شرائط جُعّاله ۱۰۰

جُعّاله خاص و عام ۱۰۱

فسخ جُعّاله ۱۰۵

احکام جُعّاله ۱۰۶

خلاصه فصل ششم ۱۰۹

فصل هفتم:

شرکت ۱۱۱

تعریف شرکت ۱۱۲

شرکت‌های غیر عقدی ۱۱۲

شرکت عقدی ۱۱۴

شرکت‌های باطل ۱۱۵

احکام شرکت ۱۱۶

خلاصه فصل هفتم ۱۱۸

فصل هشتم:

ودیعه (امانت) ۱۱۹

تعریف وودیعه ۱۲۰

شرائط وودیعه ۱۲۱

شرائط مودع (ودیعه گذار) ۱۲۲

شرائط مستودع (امانتدار) ۱۲۲

شرائط مال وَدَعی ۱۲۳

احکام وودیعه ۱۲۳

فسخ و انحلال وودیعه ۱۲۵

خلاصه فصل هشتم ۱۲۶

فصل نهم:

عاریه ۱۲۷

تعریف عاریه ۱۲۸

شرائط عاریه ۱۲۹

انحلال عاریه ۱۳۱

احکام عاریه ۱۳۱

خلاصه فصل نهم ۱۳۳

فصل دهم:

رهن ۱۳۵

تعریف ۱۳۶

شرائط رهن ۱۳۸

انحلال رهن (فک رهن) ۱۳۹

احکام رهن ۱۴۰

خلاصه فصل دهم ۱۴۳

فصل یازدهم:

عطایا و هبه ۱۴۵

ماهیت هبه ۱۴۶

شرائط هبه ۱۴۷

اقسام هبه ۱۴۹

خلاصه فصل نوزدهم ۲۳۶

فصل بیستم:

وصیت ۲۳۷

تعریف وصیت ۲۳۸

ارکان و عناصر وصیت ۲۳۹

شرایط وصیت ۲۴۰

اقسام وصیت ۲۴۶

انحلال وصیت ۲۴۸

احکام وصیت ۲۴۹

خلاصه فصل بیستم ۲۵۳

منابع ۲۵۵

شرائط كفالت ۱۹۷

انحلال و یا فسخ كفالت ۱۹۹

احكام كفالت ۲۰۰

خلاصه فصل پانزدهم ۲۰۴

فصل شانزدهم:

صلح ۲۰۵

تعریف صلح ۲۰۶

شرائط صلح ۲۰۷

اقسام صلح ۲۰۹

انحلال صلح ۲۱۰

احكام صلح ۲۱۱

خلاصه فصل شانزدهم ۲۱۳

فصل هفدهم:

غَصَب ۲۱۵

تعریف غَصَب ۲۱۶

احكام شرعی غَصَب ۲۱۶

برخی از مسائل غَصَب ۲۱۸

خلاصه فصل هفدهم ۲۲۰

فصل هجدهم:

حَجَر ۲۲۱

تعریف حَجَر ۲۲۲

اسباب حَجَر ۲۲۲

خلاصه فصل هجدهم ۲۲۸

فصل نوزدهم:

دين و قرض ۲۲۹

تعریف دين ۲۳۰

احكام دين ۲۳۱

تعریف قرض ۲۳۲

فرق قرض با عاریه ۲۳۲

شرائط قرض ۲۳۳

احكام قرض ۲۳۴

هبه لازم یا جایز ۱۴۹

احكام هبه ۱۵۱

خلاصه فصل یازدهم ۱۵۳

فصل دوازدهم:

وكالت ۱۵۵

تعریف وكالت ۱۵۶

شرائط و ارکان وكالت ۱۵۷

شرائط وكالت ۱۵۸

وكالت در توكیل ۱۶۲

تعُد وكلاء ۱۶۳

اقسام وكالت ۱۶۴

انحلال و انفساخ وكالت ۱۶۵

احكام وكالت ۱۶۸

خلاصه فصل دوازدهم ۱۷۳

فصل سیزدهم:

ضَمان ۱۷۵

تعریف ضَمان ۱۷۶

شرائط ضَمان ۱۷۷

احكام ضَمان ۱۸۰

خلاصه فصل سیزدهم ۱۸۳

فصل چهاردهم:

حواله ۱۸۵

تعریف حواله ۱۸۶

شرائط حواله ۱۸۶

نقش مُحال علیه در عقد حواله ۱۸۹

انحلال و فسخ حواله ۱۹۱

احكام حواله ۱۹۲

خلاصه فصل چهاردهم ۱۹۴

فصل پانزدهم:

كفالت ۱۹۵

تعریف كفالت ۱۹۶

سخنی با خوانندگان گرامی

مصرف صحیح نعمت‌های الهی، عبادت است و اسراف در آنها حرام. مصرف، هدف تولیدات کالا و خدمات بوده و تولید عبارت از ایجاد فایده و یا فواید جدید در هر یک از مواهب و یا نعمت‌های الهی، به منظور رفع نیازهای جسمی و روحی انسان‌ها، از طریق استفاده از توانایی‌های فکری و جسمی انسان و یا توأم آن‌ها می‌باشد.

زمانی تولیدات کالا و خدمات و همچنین نیازهای انسان‌ها محدود بود و هر تولیدکننده، کمابیش مصرف‌کننده کالا و خدمات تولید شده از طریق خود و یا اطرافیان خود بوده است. توسعه و ارتقاء سطح نیروی فکری و افزایش توانائی‌های جسمی انسان‌ها، با بهره‌گیری از ابزارهایی که به تدریج در اختیار آن‌ها قرار گرفته است، عامل توسعه شناخت بیشتر امکانات موجود در خلقت از یک سو و نیازهای معقول انسان‌ها و چگونگی پاسخ به نیازها از طریق تولیدات کالا و خدمات نوین از سوی دیگر گردید که این افزایش و توسعه، مسائلی را تحت عناوین مختلف از جمله تهاتر، تعامل و... به وجود آورد.

وجود مراکز تولیدات انبوه کالا و خدمات در نقاط محدود در شهرها و کشورهای مختلف در دنیا و پراکندگی و گستردگی مصرف‌کنندگان تولیدات یاد شده در سراسر دنیا، عوامل توزیع کالا و خدمات یاد شده را تحت عناوین عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و واسطه‌ها را حتی ما بین آن‌ها، در محل‌هایی به نام بازار در سطح محله‌ها، مناطق، شهرها و کشورها به وجود آورد و تهاتر و تعامل را تبدیل به معاملات بزرگ و کوچک نمود. امروزه این معاملات با به کارگیری ابزارهای مختلف تحت عناوین پول، چک، سفته، برات و بالاخره سیستم‌های الکترونیکی، با استفاده از سازمان‌های مختلف مانند بانک‌ها، بورس‌ها، سازمان‌های پولی و مالی و دیگر اسامی صورت می‌پذیرند.

در عصر حاضر، به ویژه در کشور ایران، همیشه تولید کنندگان قوه محرکه شبکه توزیع (بازرگانان و واسطه‌ها) به حساب می‌آیند و همواره تولیدات خود را به روش‌های مختلف بر مصرف‌کنندگان کالاهای خود تحمیل می‌کنند؛ در واقع آن‌ها به روش‌های گوناگون در مصرف‌کنندگان کالای خود ایجاد نیاز می‌کنند و ایجاد این نیازها در مردم مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت در ابعاد مختلف مالی و زمانی برای تولیدکنندگان کالا و خدمات خواهد بود.

حال اگر ترتیبی داده شود که قبلاً نیازهای واقعی مردم به کالاها و خدمات خود شناسایی شده و سپس اقدام به تولید آن‌ها گردد، حجم و انواع تولیدات چند برابر و نیز هزینه‌های مختلف تبلیغات و قیمت‌های آن‌ها به حداقل می‌رسد.

با یک بررسی مقدماتی متوجه می‌شویم با توجه به پراکندگی توزیع کنندگان کالا و خدمات

(بازرگانان عمده‌فروش و خرده‌فروش) در سراسر دنیا و حضور آنها در متن جامعه و آشنا بودن آنان به نیازهای مردم محله یا منطقه خود، این گروه می‌توانند همیشه تولید کنندگان کالاها و خدمات مختلف را در تولیدات خود هدایت نموده و برای آن‌ها نسبت به مصرف تولیداتشان در نقاط مختلف دنیا ایجاد اطمینان خاطر نمایند.

اجرای هر چه بهتر فعالیت‌های یاد شده در تولید تا مصرف کالاها و خدمات، آموزش‌هایی را می‌طلبد که لازمست عاملین این فعالیت‌ها، آن‌ها را در جهت اجرای هرچه بهتر فرآیندهای یاد شده فرا گیرند.

این آموزش‌ها، به دو گروه آموزش‌های عمومی برای کلیه فعالیت‌های یاد شده و آموزش‌های تخصصی، در سطوح مختلف، برای هر یک از فعالیت‌های ذکر شده تقسیم می‌گردند.

این کتاب و ضامم آن شامل فتاوای مراجع عظام برای هر فصل، در دو جلد، تحت عنوان «احکام تجارت از دیدگاه اسلام» با استفاده از همکاران فرزانه و فرهیخته در حوزه‌های علمیه و دانشگاه شهید بهشتی، با بیانی ساده برای گروه‌های آموزشی حقوق، بازرگانی، بانکداری، اقتصاد، حسابداری در دانشگاه‌ها و تجار و کسبه، از سطوح عمده‌فروشی تا خرده‌فروشی با اهداف تدریس به صورت کمک درسی و یا دو واحد درسی در دانشکده‌های حقوق، بازرگانی و اقتصاد و همچنین گردانندگان و یا عاملین یاد شده در بخش خصوصی تدوین گردیده و ادامه آن برای تدریس در سطوح بالاتر تخصصی در دست تدوین می‌باشد.

نگارندگان، هرگونه راهنمایی همکاران محترم دانشگاهی، حوزوی و بازرگانان محترم را در تکمیل محتوی و نحوه ارائه مطالب این کتاب جهت استفاده در تجدید چاپ‌های بعدی مؤثر و مغتنم دانسته و موجب مرضی خداوند متعال و مشوق اینجانبان در وظیفه خود خواهد بود و عواید ناشی از نشر این کتاب، صرف هزینه‌های تغییر محتوا در دروس آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی خواهد شد، انشاء الله...

و من الله التوفیق

محمّد تقی کاشانی نیا

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

و مسئول مؤسسه فرهنگی نهج القرآن

پیشگفتار:

علم فقه و احکام از وسیع‌ترین و گسترده‌ترین علوم اسلامی است که تاریخ آن از بسیاری از دیگر علوم اسلامی جلوتر است. در فقه، احکام و مسائل فراوانی وجود دارد که شامل شؤون مختلف زندگی بشر می‌باشد و پاسخگوی نیازهای متنوع مادی و معنوی، دنیائی و آخرتی، فردی و اجتماعی، جسمی و روحی انسان‌ها است. از این رو برخی از موضوعات فقهی به رابطه انسان با خداوند نظر دارد که در قالب عبادات مثل: نماز، روزه، حج، اعتکاف و... شکل گرفته است. برخی دیگر به مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود که در ابواب مناسبی مثل، جهاد، دفاع، امر به معروف و نهی از منکر و... جمع‌آوری شده است. برخی دیگر نیز در مورد شرائط بهره‌مندی انسان از مواهب یا نعمت‌های طبیعی و حدود و چارچوب آن است که در روابط انسان با طبیعت خلاصه می‌شود مثل: انواع خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، شکار، ذبح حیوانات، لباس‌ها، مکان‌ها و... بعضی از احکام فقهی ناظر است به اولویت‌های افراد نسبت به دیگر افراد در بهره‌مندی از مواهب طبیعی و مالکیت‌ها از قبیل: احیای موات، زراعت، ارث، تملک تولیدات و محصولات و... برخی دیگر نیز به معاملات و نقل و انتقال‌ها و فعالیت‌های اقتصادی و مالی ارتباط پیدا می‌کند مانند: بیع و شراء (خرید و فروش) اجاره، جُعالة و حق العمل کاری، هبه یا بخشش، صلح و... برخی نیز به ضمانت‌ها و ذمه مانند: غصب، حواله، دین و... برخی هم به شرکت‌های میان سرمایه و سرمایه، یا میان سرمایه و کار و مانند آن مربوط می‌شود مثل شرکت و مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات و...

با توجه به آنچه که گفته شد روشن می‌شود: احکام و ابواب فقهی بسیار گسترده است و فقه‌های عالیقدر و بزرگوار شیعه در طول قرن‌های متمادی با بهره‌گیری از منابع مهم فقهی - یعنی کتاب (قرآن) و سنت و عقل و اجماع و عرف و سیره متشرعین و... - آنها را در ابواب و یا بخش‌های مختلف به صورت گسترده مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

ما در این کتاب می‌کوشیم تا آن دسته از احکام فقهی مربوط به امور مالی را که بیشترین کاربرد در تولید، توزیع و مصرف برای جامعه دارد در فصول و بخش‌های گوناگون به گونه‌ای تنظیم کنیم که مورد استفاده کسانی واقع شود که در زمینه

کسب و تجارت و خرید و فروش و به طور کلی در امور معاملاتی و بازار فعالیت دارند، زیرا دانستن احکام فقهی مورد ابتلاء و نیاز بازرگانان موجب می‌شود تا معاملات و مبادلات این افراد هر چه بیشتر در چارچوب احکام دینی و شرعی قرار گیرد و همچنین اموال و دارائی‌های حلال آنان با مال حرام، یا شبهه‌ناک و یا مشکوک مخلوط نشود و زحمتهای آنان در دنیا و آخرت تضییع نگردد.

در روایات به کسب و تجارت و بازرگانی و تولید بسیار ترغیب شده است؛ چنانکه امام صادق (ع) در حدیثی از حضرت علی (ع) چنین نقل کرد که فرمود: به تجارت اشتغال پیدا کنید تا برکات الهی بر شما نازل شود. من از پیامبر اکرم (ص) شنیدم که فرمود: رزق و روزی (حلال) ده بخش دارد، نه بخش آن در تجارت است و تنها یک بخش آن در غیر تجارت فراهم می‌آید.^۱

امام صادق (ع) نیز فرمود: «تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلُ»^۲. رها کردن تجارت و بازرگانی موجب کاهش عقل و خرد آدمی است.

امام موسی بن جعفر (ع) فرمود: «مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ حِلٍّ لِيَعُودَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۳. هر کس از راه حلال به کسب رزق و روزی خود بپردازد تا صرف زندگی خود و خانواده اش کند، مانند کسی است که در راه خدا به جهاد می‌پردازد.

در این زمینه دهها حدیث وارد شده که باید توجه داشت این احادیث و روایاتی که مردم را به کسب روزی حلال ترغیب و تشویق و علاقمند می‌کند همه آنها ناظر به کسب و تجارت از راه حلال و مشروع می‌باشد؛ چنانکه امام صادق (ع) در حدیثی فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ خَلَقَ مَعَهُمْ أَرْزَاقَهُمْ حَلَالاً فَمَنْ تَنَاوَلَ شَيْئاً مِنْهَا حَرَاماً قَصَّ بِهِ مِنَ ذَلِكَ الْحَلَالِ»^۴. خداوند انسانها را آفرید و برای آنان رزق و روزی حلال در نظر گرفت پس هر کس زندگی خود را از راه حرام تأمین کند خداوند به همان اندازه رزق او را از حلال کسر می‌کند.

۱ - اِتَّجَرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: الرِّزْقُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ: تَسَعُّ أَجْزَاءُ فِي التَّجَارَةِ وَ وَاجِدٌ فِي غَيْرِهَا / شيخ حر عاملی / وسائل الشیعه / ج ۱۲ / کتاب التجاره / ابواب مقدماتها / باب ۱ / حدیث ۱۲ / ص ۵

۲ - همان / ب ۲ / حدیث ۱ / ص ۵

۳ - همان / ب ۴ / حدیث ۴ / ص ۱۱

۴ - همان / باب ۱۲ / حدیث ۶ / ص ۲۸

بنابراین اهل بازار که به امر کسب و تجارت اشتغال دارند باید به احکام و آداب تجارت و کسب آشنائی بیشتر و دقیقتری پیدا کنند تا در حرام نیفتند و اموالشان با حرام و یا با اموال شبهه‌ناک و یا مشکوک مخلوط نشود.

حضرت علی (ع) در یک سخنرانی فرمود: «یا مَعْشَرَ التَّجَّارِ، اَلْفِیْهِ ثُمَّ الْمَتْجَرُ، اَلْفِیْهِ ثُمَّ الْمَتْجَرُ، اَلْفِیْهِ ثُمَّ الْمَتْجَرُ»^۵. ای تجار و بازرگانان بر شما لازم است که به مسائل فقهی و تجارت آشنا شوید آنگاه به تجارت بپردازید. این سخن را بخاطر اهمیت آن سه بار تکرار فرمود.

امام صادق (ع) نیز فرمود: «مَنْ أَرَادَ التَّجَارَةَ فَلْيَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ لِيَعْلَمَ بِذَلِكَ مَا يَحِلُّ لَهُ مِمَّا يَحْرُمُ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ ثُمَّ اتَّجَرَ تَوَزَّطَ الشُّبُهَاتِ»^۶. هر کس بخواهد به امور بازرگانی بپردازد در آغاز باید نسبت به احکام دینی تجارت آشنائی عمیق پیدا کند تا کسب حلال را از حرام بدرستی بازشناسد و اگر به چنین احکام دینی دقیقاً آشنا نباشد و همچنان به کسب و تجارت بپردازد، در امور شبهه‌ناک فرو می‌افتد. یعنی دارائی او با اموال شبهه‌ناک - و چه بسا با حرام - مخلوط می‌شود. از این رو در این کتاب می‌کوشیم تا بر اساس مبانی دین مقدس اسلام به آن دسته از مسائل، احکام و آداب کسب و تجارت بپردازیم که مورد نیاز جامعه و به خصوص گروه‌های آموزشی حقوق، بازرگانی، بانکداری، اقتصاد، حسابداری در دانشگاه‌ها، تجار و کسبه در بیست بخش با بیانی ساده و روان تنظیم شده است.

و من ا... التوفیق

گروه مؤلفان

۵ - همان / ابواب التجاره / ب ۱ / حدیث ۱ / ص ۲۸۲

۶ - همان / حدیث ۴ / ص ۲۸۳

کلیات و تعاریف

تعریف فقه

فقه عبارتست از علم و شناخت احکام فرعی دین از روی منابع و ادله تفصیلی^۱ و یا می‌توان گفت فقه عبارت است از احکام و مقررات عملی و رفتاری در امور فردی و اجتماعی افراد در جامعه. و فقیه کسی است که اینگونه احکام عملی اسلام را از منابع و مدارک اصلی و معتبر استنباط کرده و در اختیار جامعه می‌گذارد. بنابراین، موضوع علم فقه عبارت است از آنچه که به اعمال و رفتار یک انسان مکلف مربوط می‌شود.

مسائل فقهی

مسائل فقهی، آن دسته از احکام و مقرراتی است که از سوی پروردگار وضع و مقرر شده و در شریعت جمع‌آوری گردیده و کارشناسان فقهی آنها را استخراج کرده و در اختیار جامعه می‌گذارند تا افراد جامعه رفتارهای فردی و اجتماعی خود را براساس آنها منظم یا تنظیم کنند.

احکام فقهی

فقه‌ها احکام فقهی را به دو دسته کلی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:

۱ - احکام تکلیفی و آن احکامی است که پیرامون اعمال و کردار و رفتار انسانها صادره شده است مانند: اعمال واجب، مستحب، مکروه، حرام و اباحه.

۲ - احکام وضعی و آنها احکام شرعی می‌باشند که به طور مستقیم از طرف شارع در مورد افعال یک انسان مکلف صادر نمی‌گردد بلکه گاهی با اعمال اختیاری انسان ارتباط دارد مثل درست و یا غلط بودن رفتار یک انسان مکلف. گاهی شامل اعمال غیراختیاری انسان و یا حتی اشیاء و اعیان خارجی خواهد بود مثل: مالکیت، اسباب و موانع مالکیت، طهارت، نجاست و ...

در معاملات بازرگانی و داد و ستدهای روزانه با انواع زیادی از احکام وضعی رو به رو هستیم که از این جهت، احکام وضعی در معاملات روزانه بیشترین کاربرد را دارد در حالیکه در عبادات بیشتر با احکام تکلیفی سرکار داریم.

۱ - «الفقه هو العلم بالا حکام الشرعیه الفرعیه عن أدلتها التفصیلیه»

فصل اول

بیع

(خرید و فروش)

تعریف بیع و شراء

بیع یکی از مهمترین موضوعات فقهی است و در کتب فقهی از آن به مکاسب - متاجر - معاملات و امثال آنها یاد شده است. بیع در لغت به معنای فروش و شراء به معنای خرید آمده است. ولی گاهی خرید و فروش را مجموعاً بیع می‌گویند. بیع در اصطلاح عبارت است از تملیک عین به عوض. یعنی هرگاه، میان دو طرف قراردادی بسته شود که به سبب آن، یک طرف جنسی را بدهد به این قصد که ملک دیگری شود و در برابر آن، مالی را به عنوان عوض دریافت کند، بیع گفته می‌شود.

عناصر یا اجزاء بیع

در تعریف بیع سه عنصر را مشاهده می‌کنیم که در ماهیت بیع نقش دارد و با نبود هر یک از این عناصر، بیع تحقق پیدا نمی‌کند آن عناصر عبارتند از:

۱- عنصر تملیک: (به ملکیت درآوردن)

در بیع باید تملیک حاصل شود یعنی هر طرف باید مال خود را به قصد تملیک و به ملکیت درآوردن به دیگری بدهد پس اگر کسی مالی را به قصد تملیک ندهد بلکه به عنوان امانت یا عاریه به دیگری بدهد، به این بیع گفته نمی‌شود.

۲- تملیک عین: (به ملکیت در آوردن کالا)

دومین عنصر از عناصر بیع که در ذات و ماهیت آن تأثیر دارد تملیک عین است، یعنی «فروشنده» باید عین و خود کالا را به «خریدار» تملیک کند. توضیح آنکه در هر مالی دو جهت وجود دارد: یکی ذات آن مال که قابل حس و لمس است و به آن «عین» گفته می‌شود و دوم بهره‌ها و استفاده‌هایی که از آن مال برده می‌شود که به آن «منافع» گویند. مثلاً به خود ساختمان که از زمین و اطاق و حیاط و در و پنجره و... تشکیل شده عین گفته می‌شود ولی به سکونت و استراحت و زندگی کردن در آن خانه، «منافع» اطلاق می‌شود. منافع، غالباً تابع عین است یعنی وقتی عینی به کسی منتقل شد، منافع آن نیز منتقل می‌گردد مگر آنکه موانعی وجود داشته باشد که عین بدون منافع انتقال پیدا کند.

در بیع باید خود عین و کالا به دیگری تملیک شود پس اگر عین تملیک نشد بلکه تنها منافع عین تملیک گردد به آن بیع گفته نمی‌شود بلکه عقد دیگری خواهد بود که به آن «اجاره» گویند و از اینجا تفاوت میان بیع و اجاره روشن می‌شود: بیع تملیک عین است ولی اجاره تملیک منافع است بدون تملیک عین.

۳- تملیک عین به عوض: (به ملکیت درآوردن کالا درمقابل عوض آن) سومین عنصر بیع، وجود عوض است. پس اگر تملیک عین بدون عوض باشد بیع نخواهد بود از این رو، قرض و وام از عنوان بیع خارج می‌گردد؛ زیرا هر چند در قرض، تملیک عین وجود دارد ولی در برابر عوض نیست، البته در قرض هر چند مدیون و وام‌گیرنده باید «مثل» و یا «قیمت» آنچه را که گرفته به داین و وام‌دهنده برگرداند ولی این عوض نیست بلکه حقیقت قرض این است که وام‌دهنده مالی را به وام‌گیرنده می‌دهد و او را ضامن می‌کند که سرِ موعد، مثل و یا قیمت آنچه را که گرفته به او بپردازد این نوع دادوستد بر مبنای معاوضه و مبادله نیست، مضافاً اینکه در تملیک عین به عوض دو تملیک در کنار هم و برابر یکدیگر صورت می‌پذیرد: یکی آنکه فروشنده مالی را به مشتری تملیک می‌کند و دوم مشتری نیز در ازای آن، مالی را به فروشنده تملیک می‌کند که در قرض چنین چیزی وجود ندارد.

ارکان و پایه‌های بیع (خرید و فروش)

بیع با توجه به سه عنصر یاد شده دارای پنج رکن است:

- ۱- شخصی که کالا و جنسی را به شخص دیگر می‌دهد که به آن بایع و یا فروشنده گویند.
- ۲- شخص دیگری که آن کالا را می‌گیرد و در ازای آن، مالی را می‌دهد که به آن «مشتری» و یا «خریدار» گویند.
- ۳- کالائی را که بایع در اختیار مشتری می‌گذارد و به آن «مبیع» یا «ثمن» یا «معوّض» گفته می‌شود.
- ۴- مالی را که مشتری در اختیار بایع می‌گذارد و به آن «مُثمن» و یا «عوض» و یا «قیمت» گویند.
- ۵- قصد مبادله و معاوضه تملیکی میان آن دو چیز؛ یعنی تصمیم دو طرف باید بر این جهت باشد که پول و کالا در برابر یکدیگر قرار گیرد همراه با مبادله و جابجائی

و به این حالت «عقد» گفته می‌شود که مشتمل بر ایجاب و قبول (فروختن و خریدن) است و معمولاً بایع طرف ایجاب و مشتری طرف قبول قرار می‌گیرد. بنابراین «بیع» از عقود است نه از ایقاعات. عقد که جمع آن عقود است در لغت بمعنای «بستن» و «گره زدن» آمده و در اصطلاح آنست که یک طرف در برابر طرف دیگر در ازای چیزی بر امری متعهد شود و مورد پذیرش طرف مقابل نیز باشد پس باید دو اراده و دو قصد به یکدیگر به پیوند تا عقد صورت پذیرد. پس در هر عقدی دو طرف وجود دارد به طرفی که پیشنهاد چیزی را می‌دهد طرف ایجاب و به طرفی که پیشنهاد آن طرف را می‌پذیرد طرف قبول گفته می‌شود. بیع و اجاره و امثال آنها از این قبیل است. ولی ایقاع با یک طرف تحقق پیدا می‌کند یعنی اراده و قصد یک شخص برای تحقق عنوان کافی است و در صدق عنوان به طرف دوم نیازی نیست مثل وقف: کسی که مالی را در راه خدا وقف کرد، عنوان وقف حاصل می‌شود. پس در وقف قبول مطرح نیست درحالی‌که اگر کسی مالی را فروخت تا خریدار آنرا قبول نکند بیع تحقق نمی‌یابد؛ از این رو بیع جزو عقود می‌باشد ولی وقف و امثال آنها جزو ایقاع بشمار می‌رود. در بیع مباشرت از ناحیه طرفین شرط نیست پس وکیل یا ولی فروشنده و خریدار می‌توانند از سوی موکل و مولی علیه خرید و فروش انجام دهند.

شرائط بیع (خرید و فروش)

بیع مانند هر عقد دیگری دارای شرائطی است که با وجود آن شرائط، بیع واقع می‌شود و اثر بخش خواهد بود وگرنه بیع تحقق نیافته و یا حداقل فاسد و باطل خواهد بود و در صورت فساد و بطلان معامله، نقل و انتقال از نظر حقوقی و شرعی تحقق پیدا نمی‌کند هر چند نقل و انتقال خارجی توسط بایع و مشتری انجام گیرد. شرائط را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱ - شرائط عقد بیع:

۱ - ۱ - عقد بیع دارای ایجاب (فروختن) و قبول (خریدن) است پس در صورت ایجاب بدون قبول و یا قبول بدون ایجاب بیع حاصل نخواهد شد. لازم نیست ایجاب و قبول در بیع به زبان عربی و یا با الفاظ مخصوصی صورت